



وزارت اطلاعات و فرهنگ
معینیت امور جوانان

پالیسی ملی جوانان افغانستان

تدوین کننده: معینیت امور جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ
تاریخ: ماه قوس ۱۳۹۲ هـ.ش

عناوین

پیام

مقدمه

۱- ضرورت تدوین پالیسی

۲- هدف کلی پالیسی

۳- فشرده متن پالیسی

۴- ارزش ها و اصول پالیسی

الف: ارزش ها

ب: اصول

۵- تعریف جوان

۶- دیدگاه واهداف

الف: دیدگاه

ب: اهداف

۷- مقاصد پالیسی

۸- نتیجه متوقعه

۹- گروه های جوانان

۱۰- گروه های مورد نظر

الف: زنان و دختران جوان

ب: جوانان غریب

ج: جوانان و نوجوانانی که به خدمات صحتی دسترسی ندارند

د: جوانان دهاتی

ه: جوانان محروم از تعلیم و آموزش

و: جوانان دارای معلولیت

ز: جوانانی که از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به انزوا کشانیده شده اند

ح: جوانان معتاد

ط: جوانان افراطی

۱۱- ساحات کلیدی پالیسی ملی جوانان

الف: اشتغال زایی برای جوانان

ب: صحت برای جوانان و نوجوانان

ج: تعلیم، تحصیل و آموزش فن و حرفه

د: مشارکت

ه: مسایل مشترک

۱- تساوی جنسیتی

۲- صلح و امنیت

۳- ورزش و سرگرمی

۴- حفظ محیط زیست

۱۲- چارچوب تطبیق پالیسی ملی جوانان

الف: نهاد های تطبیق کننده

ب: نظارت از تطبیق و هماهنگی پالیسی در سطح ملی

ج: نظارت از تطبیق و هماهنگی پالیسی در سطح محلی

د: تخصیص بودجه به ادارات ذیربط

ه: تخصیص بودجه به اداره ناظر

۱۳- بررسی تاثیرات پالیسی

۱۴- مأخذ و منابع.

تعریف اصطلاحات

مسوده پالیسی ملی جوانان

ضرورت تدوین پالیسی ملی جوانان

با ایجاد و تشکیل نظام فعلی (جمهوری اسلامی افغانستان) که بنیاد یک کشور آزاد، مستقل و دیموکراتیک را، بعد از سالها ناهنجاری های سیاسی و اجتماعی، گذاشت نقطه عطف در تاریخ سی ساله کشور میباشد. در یک دهه گذشته دولت افغانستان زمینه های وسیع را برای رشد و انکشاف جوانان در عرصه های مختلف مانند صحت، تعلیم، کاریابی و مشارکت سیاسی مساعد ساخته است. ولی باید گفت که از این پیشرفت ها تمام جوانان افغانستان، اعم از دختر و پسر جوان استفاده ننموده اند و جهت رفع نیازمندی های نسل جوان کشور باید تلاش های بیشتر صورت گیرد.

افغانستان از جمله کشور های جهان است که رشد سریع جمعیت را دارا می باشد. رشد و تغییر نفوس در کشور سالانه ۳،۱ درصد می باشد (صندوق جمعیت ملل متحد، ۲۰۱۲). به اساس آمار اداره مرکزی احصایه در سال ۱۳۹۰هـ. ش از جمله نفوس تخمین شده ۲۶،۵ میلیونی افغانستان ۶۸ درصد آنها زیر سن ۲۵ سال قرار دارند و کسانی که بین سن ۱۵ الی ۲۴ سال می باشند ۴۰ درصد کل جمعیت افغانستان را تشکیل میدهند. تجارب جهانی نشان دهنده آنست که هرگاه نفوس بیشتر یک کشور جوان بوده باشد آن کشور می تواند فرصت های بیشتر برای رشد و انکشاف داشته باشد به شرط این که دولت به قشر جوان جامعه توجه بیشتر نموده و از آنها در راستای آبادانی کشور و فقر زدایی استفاده درست نماید.

در آینده نزدیک افغانستان وارد دهه تحول^۱ (۱۳۹۴هـ. ش الی ۱۴۰۳هـ. ش) خواهد شد. بناً دولت افغانستان باید به طور هدفمندانه و استراتژیکی بالای جوانان کشور سرمایه گذاری کند تا از توانایی های بالقوه آنها در کشورداری استفاده اعظمی صورت گیرد.

دولت، از بدو تأسیس تا کنون، به منظور رفع مشکلات و نیازمندی های اتباع افغانستان قوانین، مقررہ ها، مصوبات و پالیسی ها را، در چارچوب قانون اساسی افغانستان، طرح، تدوین و توشیح نموده است. در جریان یک دهه گذشته جوانان از قوانین و پالیسی های ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سکتور های تعلیم، فرهنگ، ورزش، انکشاف دهات و باز سازی مستفید شده اند، ولی سه دهه نابسامانی های داخلی یک نسل از این کشور را از نعمت تعلیم و رشد استعداد های شان باز داشت و نیز شیرازه دولت ملی را که توان عرضه خدمات به اقشار مختلف جامعه به خصوص جوانان را داشته باشد، از هم پاشید. علاوه بر آن برنامه های خورد و ریزی که از جانب نهاد های دولتی و سازمانهای غیر دولتی راه اندازی گردیده است و یا در شرف تطبیق است به هیچ وجه نمی تواند، در دراز مدت، پاسخگوی نیازمندی های روز افزون جوانان باشد. بنابر این

^۱ به اساس توافقات کنفرانس کابل و لیزبون در سال ۱۳۸۹هـ. ش جامعه جهانی و دولت افغانستان فیصله نمودند که بعد از سال ۱۳۹۳هـ. ش دولت افغانستان مسوولیت تامین امنیت افغانستان را به عهده خواهد داشت و دهه تحول را رهبری خواهد کرد.

معینیت امور جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ نخستین پالیسی ملی جوانان افغانستان را تدوین نمود تا اطمینان حاصل کند که از سرمایه گذاری که بالای زنان جوان، دختران و پسران صورت می گیرد آنها از آن به طور منصفانه بهره می برند و باعث رشد و انکشاف آنها می گردد.

هدف از طرح و تدوین پالیسی ملی جوانان رسیده گی سیستماتیک و همه شمول ادارات ذیربط دولتی و نهاد ها و سازمان های غیر دولتی به مشکلات جوانان، طرح و تطبیق برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت به منظور رشد و توسعه استعداد ها، مهارت ها و توانایی های آنها در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است. پالیسی ملی جوانان طوری طرح گردیده است که منجر به تغییر و تحول پایدار در وضعیت زنده گی جوانان، در عرصه های مختلف از یک سطح به سطح دیگر خواهد شد.

هدف کلی پالیسی:

در نظر است که این پالیسی عدم هماهنگی بین سکتور ها را در امر رشد و توسعه جوانان رفع نماید. این پالیسی در روشنایی دیدگاه استراتیژی انکشاف ملی، برنامه های ملی دارای اولویت افغانستان و اهداف انکشافی هزاره طرح و تدوین گردیده است. این پالیسی جهت حصول اهداف کلی ذیل تدوین گردیده است.

- ۱- پالیسی ملی جوانان، جوانان را منحصیث گروه مدنظر و استراتیژیک برای توسعه و انکشاف افغانستان و زدودن فقر در کشور، در نظر دارد.
- ۲- پالیسی ملی جوانان نیازمندی های اساسی جوانان را شناسایی و برای انکشاف پایدار آنها چارچوب قانونی و رهنمود های استراتیژیک را وضع می نماید.
- ۳- پالیسی ملی جوانان کاستی ها و خلا ها در برنامه های فعلی نهاد های دولتی و سکتور خصوصی را شناسایی و چارچوب های مشترک را برای حل آن جستجو می کند.
- ۴- پالیسی ملی جوانان از نقش مشخص و متمم ادارات دولتی، غیر دولتی، سکتور خصوصی و سازمانهای جوانان را در امر رشد و توسعه به دیده قدر مینگرد و چارچوب مشترک برای رسیدن به اهداف و همچنان روحیه تلاش مشترک را بین آنها قوی می سازد.
- ۵- پالیسی ملی جوانان هماهنگی بین ادارات مختلف دولتی و غیر دولتی را، در مسایل مربوط به جوانان، بیشتر می سازد.
- ۶- پالیسی ملی جوانان چارچوب طرح و تطبیق میکانیزم بررسی و ارزیابی به منظور اصلاح و حمایت از برنامه ها و پالیسی ها در مورد جوانان را تهیه می نماید.
- ۷- پالیسی ملی جوانان زمینه مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین زمینه های توانمند ساختن جوانان، در سطح ملی و محلی را مساعد می سازد.

فشرده متن پالیسی

تصمیم مبنی بر طرح و تدوین پالیسی ملی جوانان افغانستان بر اساس درک نیازمندی ها و توانایی های جوانان کشور در تأمین امنیت، انکشاف، و توسعه اجتماعی و اقتصادی افغانستان پس از جنگ است. اولویت های این پالیسی بیشتر بر نیازمندی های اقتصادی و اجتماعی جوانان در سطح ملی و محلی متمرکز است.

پالیسی ملی جوانان افغانستان بر اساسات و اصول ارزش های اسلامی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و اقتصادی، اخلاق اجتماعی، همبستگی ملی، روحیات عالی، و انکشاف ملی استوار است. جوانان امروز آینده

سازان و رهبران آینده کشور اند که این امر تدوین پالیسی را برای توانمند ساختن آنها جهت رشد ظرفیت شان الزامی می سازد.

انکشاف، تغییر و تحول مثبت در زنده گی جوانان منجر به پیشرفت و انکشاف افغانستان میشود. ترقی و تعالی ملت ما وابسته به نیروی تربیت یافته جوان ماست. پالیسی ملی جوانان سازگار با واقعیت ازدیاد نفوس افغانستان است و در این سند تلاش صورت گرفته است تا از انرژی جوان برای توسعه و انکشاف پایدار در افغانستان استفاده اعظمی صورت گیرد.

میزان توسعه اقتصادی یک کشور وابسته به فهم، دانش و نیروی کاری جوانان همان کشور است که سهم خود را از طریق کار در رشد اقتصاد ملی کشور بازی می کنند. با در نظر داشت اولویت های ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان و تعهدات دیگر مبنی بر ایجاد افغانستان مرفه، با ثبات و مترقی، جوانان باید به حیث محرکین دهه تحول شناسایی گردند. از جانب دیگر سازمانهای غیر دولتی، نهاد های جامعه مدنی و مؤسسات غیر دولتی اهداف انکشاف ملی را از طریق سرمایه گذاری استراتژیک بالای جوانان متمرکز سازند. پالیسی ملی جوانان افغانستان نقش سازنده مؤسسات و سازمانهای غیر دولتی، به خصوص مؤسسات جوانان، را در امور توسعه و انکشاف زنده گی جوانان برجسته مینماید.

پالیسی ملی جوانان افغانستان در واقع رهنمود توانمند سازی جوانان است تا از این طریق جوانان، دولت و مؤسسات غیر دولتی بتوانند به مشکلات موجوده مانند نقض حقوق بشر، فقر، بیکاری، بی عدالتی اجتماعی و نا امنی رسیده گی کنند. اهداف این پالیسی زمانی برآورده شده میتواند که مقامات عالیرتبه دولت و شخصیت های حقیقی و حکمی کشور توسعه و انکشاف جوانان را منحیث یکی از اولویت های کاری و مسؤولیت اجتماعی خود بیندارند و برای تطبیق این پالیسی، استراتژی های تطبیقی آن را برنامه ریزی کنند.

تلاش ها در این راستا باید میان ادارات ذیصلاح و ذیعلقه دولت و مؤسسات و سازمانهای غیر دولتی، در سطح تصمیم گیری هماهنگ گردند. توسعه و انکشاف جوانان باید در صف برنامه های ملی انکشافی تعلیمی، اقتصادی و اجتماعی منحصیث اولویت کاری دولت قرار گیرد. در این پالیسی، جوانان محرکین چرخ اقتصادی فعلی افغانستان، و آینده سازان کشور پنداشته میشوند.

جوانانیکه بنابر شرایط ناگوار در کشور از حقوق شان محروم شده اند، و یا هم فعلاً تحت شرایطی به سر میبرند که آنها را از حقوق و وجایب اجتماعی شان باز میدارد در اولویت پالیسی ملی جوانان افغانستان قرار دارد. جوانانی که از نعمت تحصیل علم باز مانده اند و از انکشافات اجتماعی و اقتصادی کمترین بهره را نصیب شده اند، در برنامه های انکشاف و توسعه ملی افغانستان مانند برنامه های ملی دارای اولویت، دوباره، مد نظر گرفته شوند و از آنها حمایت همه جانبه صورت گیرد. پالیسی ملی جوانان افغانستان به محرومیت های اقتصادی و اجتماعی جوانان با برنامه ریزی های دقیق رسیده گی خواهد کرد.

نایل شدن به اهداف مندرج در این پالیسی تلاش مشترک میان سکتوری و فرا سکتوری اعم از ادارات دولتی و نهاد های جامعه مدنی و سکتور خصوصی بسیار مهم است. بدین منظور برای عرضه خدمات در راستای انکشاف و توسعه پایدار جوانان لازم است تا هماهنگی لازم در سطح برنامه ها، و تصمیم گیری ها، چه در سکتور عامه و خصوصی، ایجاد گردد، و طرز العمل های بررسی و ارزیابی تطبیق برنامه های مرتبط به پالیسی ملی جوانان تهیه گردد.

ارزش ها و اصول پالیسی

ارزش ها و اصول پالیسی ملی جوانان مسؤولیت دولت را در رشد و انکشاف جوانان مشخص می سازد. ارزش های پالیسی مرز های اصول و قواعد را مشخص می سازد که در روشنایی آن برنامه ها طرح و دیزاین کردند. اصول و ارزش های پالیسی ملی جوانان قرار ذیل می باشد:

الف: ارزش ها

پالیسی ملی جوانان در مطابقت به تمام ارزش ها و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان تدوین گردیده است. مردم افغانستان دارای فرهنگ غنی آداب معاشرت و اخلاقیات می باشد. جوانان کشور باید به اساس این ارزش های ملی مانند صلح، عدالت و اخوت تربیت شوند. این ارزش ها در پالیسی ملی جوانان قرار ذیل می باشد:

- ۱- احترام به هویت ملی و حفظ آن به اساس ماده چهارم قانون اساسی.
- ۲- احترام به کرامت انسانی، حقوق بشر، فرهنگ، دین و مذهب و افکار سیاسی دیگران به اساس ماده ششم و سی و چهارم قانون اساسی افغانستان.
- ۳- تامین عدالت اجتماعی و دسترسی به منابع به اساس ماده های ششم و بیست و دوم قانون اساسی.
- ۴- تساوی جنسیتی به اساس ماده بیست و دوم قانون اساسی.
- ۵- توانمندی جوانان و نوجوانان به اساس ماده های چهل و سوم، چهل و چهارم و چهل و ششم و چهل و هفتم قانون اساسی.
- ۶- مشارکت فعال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.
- ۷- تعهد و وفاداری به تمام اصول و ارزش های قانون اساسی افغانستان.
- ۸- حفاظت از میراث های فرهنگی افغانستان.

ب: اصول

اصول و قواعد ذیل به اساس معلومات دقیق از ساختار های دولتی، مسؤولیت های ادارات دولتی و غیر دولتی در راستای انکشاف اقتصادی و اجتماعی جوانان طرح و ترتیب گردیده اند. همچنین این پالیسی به اساس ارزش های قانون اساسی و اهداف انکشافی هزاره (MDG) افغانستان تدوین گردیده است. ادارات دولتی و غیر دولتی که در چارچوب این اصول و قواعد برنامه ها را برای جوانان طرح و تطبیق می کند، دولت در روشنایی قوانین نافذ از تلاش آنها حمایت مادی و معنوی می کند. پالیسی ملی جوانان زمینه وسیع مشارکت جوانان را در پروسه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور که روی زنده گی جوانان تاثیر گذار اند، مساعد می سازد. اصول و قواعد اساسی قرار ذیل می باشد:

۱- اصل برابری

الف: پالیسی ملی جوانان شامل زنان جوان، دختران و پسران است. این پالیسی به هیچ صورت تفکیک بین جوانان را به اساس جنس، دین، قوم، زبان و سمت قایل نیست.

ب: تشخیص حقوق و مکلفیت ها جهت دسترسی به فرصت ها، عرضه خدمات و دسترسی به منابع به شکل منصفانه و مساویانه برای جوانان.

ج: ادارات ذیربط دولتی به منظور رسیده گی به مشکلات جوانان آسیب پذیر و محروم به شمول جوانان بیکار، معتاد و جوانان دارای معلولیت برنامه های خاص را روی دست گیرند.

ه: تمام برنامه هایی که برای جوانان طرح و ترتیب می گردد حد اقل ۳۰ درصد مستفید شونده گان مستقیم آن زنان جوان و دختران باشد.

و: پالیسی ملی جوانان از حقوق اساسی و مدنی جوانان کشور دفاع می کند. این پالیسی تدابیر و امکانات اساسی را برای اعاده حقوق جوانان از طریق ادارات ذیربط دولتی و نهاد های مستقل جامعه مدنی روی دست می گیرد و آنرا پیگیری می نماید. دولت مکلف است که زمینه انکشاف جوانان مهاجر را در خارج از کشور مساعد سازد و از حقوق آنها دفاع نماید.

۲- مشارکت: شناسایی حقوق و مسؤولیت های جوانان در تصمیم گیری هایی که به نحوی زنده گی آنها را متأثر می سازد.

۳- تطبیق و هماهنگی

الف: پالیسی ملی جوانان تحت رهبری و مدیریت وزارت اطلاعات و فرهنگ مخصوصاً توسط معینیت امور جوانان در همکاری و هماهنگی با ادارات ذیربط دولتی، نهاد های جامعه مدنی به شمول نهاد های جوانان، سکتور خصوصی و دیگر نهاد های انکشافی ملی و بین المللی، تطبیق میگردد. این پالیسی در مطابقت به قانون اساسی کشور، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق است، تدوین گردیده است.

ب: رهبری و مدیریت تطبیق پالیسی ملی جوانان، استراتژی ها و برنامه ها را، در سطح ولایات، امریت امور جوانان در همکاری نزدیک با والیان و ولسوالان به عهده دارد.

ج: نظارت از تطبیق پالیسی ملی جوانان توسط کمیسیون عالی دولتی به ریاست معاون دوم مقام عالی ریاست جمهوری و به عضویت ادارات ذیربط دولتی و دو تن نماینده با صلاحیت نهاد های جامعه مدنی صورت می گیرد. این پالیسی، حسب ضرورت، مورد بازبینی و تعدیل قرار می گیرد.

۴- ضوابط کار

الف: پالیسی ملی جوانان از حمایت دولت افغانستان برخوردار است. ادارات دولتی و نهاد های ذیربط جامعه مدنی برنامه ها و استراتژی های توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی جوانان را با معینیت امور جوانان شریک سازد.

ب: تمام برنامه هایی که از طرف ادارات دولتی و نهاد های مستقل در خصوص جوانان تطبیق میگردد باید اهداف، مقاصد و اولویت های پالیسی ملی جوانان را مدنظر گیرد.

ج: مولفه های برنامه های انکشافی جوانان باید در برگیرنده ارزش های مانند صلح، امنیت عامه، ثبات سیاسی، تساوی جنسیتی و توانمندی اقتصادی باشد.

ه: برنامه های میان مدت و دراز مدت انکشافی برای جوانان باید در برگیرنده اقتشار مختلف و وسیع جوانان کشور باشد.

و: برنامه هایی که به اساس اولویت های پالیسی ملی جوانان طرح و دیزاین گردیده باشد از حمایت تخنیکی و سایر همکاری های لازم معینیت امور جوانان مستفید میشوند.

ز: ادارات ذیربط دولتی برای بهبود وضعیت زنده گی اجتماعی و اقتصادی جوانان در قرا و قصبات کشور برنامه های خاص انکشافی را روی دست گیرند و برای اجرای آن منابع بشری و مالی لازم را بسیج نمایند.

تعریف جوان

کشور های مختلف از دوران جوانی و گروه های جوانان برداشت های گوناگون به اساس برداشت های مشخص اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و همچنین قوانین و ساختار ها دارد. علاوه بر آن، چون موضوعات و مسایل جوانان فراسکتوری است و نمیتوان جوان را در حوزه محدود تعریف کرد بناً هر تعریفی از جوان در افغانستان باید فراتر از تعاریف حوزه های مربوط به جوانان باشد و باید در بر گیرنده محدوده سنی باشد که در قوانین و پالیسی ها در نظر گرفته شده اند.

در این پالیسی جوان به کسی گفته میشود که بین سن ۱۸ الی ۳۵ قرار داشته باشد. هر چند پالیسی ملی جوانان رهنمود های واضح برای صحت، تعلیم و مشارکت نوجوانان (افرادی که بین سنین ۱۳ و ۱۸ سال قرار دارند) در بخش ساحات این پالیسی در نظر دارد. دولت افغانستان نیازمندی های صحتی و تعلیمی نوجوانان را تشخیص داده زیرا این دوره زنده گی مرحله گذار به جوانی می باشد.

این تعریف در برگیرنده تمامی گروه های جوانان می شود و الزاماً ویژه گی بنیادی و طبیعی قابل تعریف را برجسته نمی سازد. تعریف فوق بر اساس وضعیت روحی، جسمی و اجتماعی دوره های مختلف زنده گی و واقعیت های اجتماعی افغانستان تعیین گردیده است و معیارهای مانند سن شمولیت در مکتب و اكمال دوره تعلیمات ثانوی، ارتقای سطح مهارتهای علمی و حرفوی، تبارز شخصیت، ادامه رشد ظرفیت های ذهنی، کسب تحصیلات عالی، ازدواج و کار، معیارهای تعیین دوره جوانی است. همچنان تعریف فوق به اساس موقعیت اجتماعی و اقتصادی جوانان در تطبیق و عملی شدن برنامه های انکشاف ملی نیز صورت گرفته است.

مرحله طفولیت زنده گی به اساس تغییرات فزیک، فکری و روانی شناسایی می گردد که انسان را آماده به مرحله بلوغ می سازد. به اساس قوانین نافذ افغانستان دوره طفولیت به سه مرحله تقسیم می شود: صغیر غیر ممیز که از زمان تولد الی سن ۷ سالگی، صغیر ممیز از ۷ الی ۱۳ سالگی، و مراهق از سن ۱۳ الی ۱۸ سالگی را در بر می گیرد. به اساس قانون جزای افغانستان صغیر به طفلی گفته می شود که بین سن هفت و سیزده سالگی کامل قرار داشته باشد. در روشنایی قانون کار افغانستان نوجوان کسی است که سن ۱۴ سالگی را تکمیل و ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد.

تعریف جوان که در بالا ذکر گردیده است سازگاری کلی با برداشت ها از جوانان، اعم از دختر و پسر، در قوانین مانند قانون مدنی، قانون محاسب و توقیف خانه ها، قانون صحت عامه، قانون کار و قانون کارکنان خدمات ملکی دارد. قابل یاد آوریست که از این پالیسی، نوجوانان طبق نیازمندی هایشان نیز مستفید می شوند.

دیدگاه و اهداف

الف- دیدگاه: جوانان توانا، مسئولیت پذیر، متواضع و صحتمند که از توانایی های علمی و حرفوی بالقوه خود برای پیشرفت، ترقی و تعالی کشور، با در نظر داشت ارزش های اسلامی و قوانین نافذه، استفاده اعظمی نمایند.

ب- اهداف:

- ۱- شامل ساختن اولویت های انکشافی جوانان در پالیسی ها و برنامه های اساسی دولت افغانستان.
- ۲- ایجاد و تقویت هماهنگی بین ادارات ذیربط دولتی، مؤسسات بین المللی و سازمانهای غیر دولتی برای رشد و انکشاف مؤثر و پایدار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوانان.
- ۳- ارتقای ظرفیت هدفمندانه جوانان از طریق رسیده گی به ضرورت های آنها.
- ۴- ایجاد و تقویت زمینه کاریابی مناسب و مساوی برای جوانان، اعم از زنان جوان و پسران جهت رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی آنها.

مقاصد پالیسی

الف- اولویت بندی و شامل ساختن جریان اصلی مسائل مربوط به جوانان

- ۱- در اولویت قرار دادن گروه های جوانان در پالیسی ها، استراتژی ها و برنامه های استراتژیکی ادارات ذیربط دولتی، نهاد های جامعه مدنی، سکتور خصوصی و جامعه جهانی، به خصوص زنان جوان و دختران، در سطح ملی و محلی، و حصول اطمینان از این که جوانان در تطبیق این برنامه ها نقش ارزنده را بازی کند.
- ۲- حصول اطمینان از این که اولویت های پالیسی ملی جوانان شامل پالیسی ها و برنامه های اساسی ادارات ذیربط دولتی بوده و طور مؤثر تطبیق می گردد.
- ۳- ایجاد زمینه ها وسیع و مستمر اشتغال زایی پایدار و مناسب برای جوانان از طرق سرمایه گذاری در استخراج معادن، انکشاف زراعت و مالداری، و تکنالوژی معلوماتی در کشور و همچنان دیگر زیر بنا های ملی.
- ۴- ایجاد زمینه های وسیع کسب علم، دانش و حرفه ها به طور مجانی و به اساس نیازمندی های ملی، در سطح ملی و محلی، تعمیم تعلیم و تحصیل متوازن در سطح کشور مطابق قانون برای جوانان و تلاش به خاطر فراهم نمودن زمینه های مصون تعلیمی و تحصیلی برای زنان جوان و دختران در سطح محلی.

ب- همکاری و هماهنگی

- ۱- مساعد ساختن زمینه هماهنگی و تشریک مساعی بین ادارات ذیربط دولتی و غیر دولتی جهت عرضه خدمات اساسی، مؤثر و به موقع برای جوانان.
- ۲- ارتقای سطح آگاهی و تشریک ساختن اطلاعات پیرامون مسایل مربوط به جوانان میان دست اندرکاران ملی و بین المللی.

ج- مشارکت

- ۱- مساعد ساختن زمینه های سهم گیری و مشارکت فعال جوانان در پروسه های تصمیم گیری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در سطح ملی و محلی.

۲- فراهم آوری امکانات وسیع برای رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی جوانان محروم و آسیب پذیر، طرح و تطبیق برنامه های ویژه برای بهبود وضعیت زنده گی آنها. ایجاد زمینه های خود کفایی اقتصادی و مصون جهت فعالیت آنها در امور انکشاف و پیشرفت جامعه.

د- بلند بردن ظرفیت و توانمند ساختن جوانان

- ۱- توسعه دسترسی رایگان و همگانی به تعلیم با کیفیت و آموزش فن و حرفه به منظور بلند بردن ظرفیت جوانان و ایجاد نیروی قوای بشری.
- ۲- توسعه فرصت های شغلی مناسب برای زنان و مردان جوان، به خصوص در دهات برای زنان جوان و جوانان دارای معلولیت.
- ۳- اتخاذ تدابیر لازم برای بلند بردن اعتماد به نفس جوانان و همچنان توسعه مهارت های رهبری و مهارت های زنده گی در ابعاد مختلف توسط مراجع ذیربط.
- ۴- طرح و تطبیق برنامه های مشخص آموزشی و ارتقای ظرفیت جهت رفع نیازمندی های اقتصادی و اجتماعی کشور برای جوانان به خصوص در سکتور های استخراج معادن، مدیریت تجارت و صنایع داخلی و انکشاف زراعت توسط ادارات ذیربط دولتی و غیردولتی.

ه- ارزش ها و تعهد

- ۱- متعهد ساختن جوانان به ارزش های مندرج در قانون اساسی و ترویج این ارزش ها توسط خود آنها.
- ۲- بلند بردن سطح آگاهی جوانان از ارزش های اسلامی، دموکراسی و حقوق بشر، متعهد ساختن آنها به حقوق اطفال و تساوی جنسیتی و ترویج این ارزش ها توسط آنها از طرق ممکنه طبق قانون.
- ۳- ایجاد و تقویت مدارس دینی برای کسب تعلیمات و تحصیلات عالی اسلامی در مرکز و ولایات جهت زدودن افراطیت در کشور.
- ۴- نهادینه ساختن فرهنگ و طندوستی، وحدت ملی و مسؤولیت پذیری بین جوانان تا آنها و جایب اجتماعی و ملی خود را در قبال کشور درک نموده و به وجه احسن ایفا کنند.
- ۵- ترویج و تقویت هر چه بیشتر فرهنگ تحمل و همدیگر پذیری بین جوانان افغانستان.
- ۶- تقویت روحیه رضا کاری بین جوانان در عرصه های مختلف به خصوص فعالیت های مدنی مانند حشر ها، حمایت از مردم بی بضاعت و دیگر فعالیت های مدنی در سطح محل.
- ۷- ترغیب جوانان و مشارکت آنها در حفظ محیط زیست و حفاظت از میراث های فرهنگی کشور.
- ۸- متعهد ساختن جوانان در راه مبارزه علیه کشت، تولید، قاچاق و استعمال مواد مخدر و سایر انواع مسکرات به منظور جلوگیری از اعتیاد و ارایه فرصت های مولد درآمد قانونی و توسعه طرز زنده گی سالم بین آنها.

نتیجه متوقعه:

رشد و انکشاف پایدار جوانان در عرصه های مختلف با در نظر داشت واقعیت های عینی جامعه.

گروه های جوانان

گروه های متنوع جوانان ضرورت ها و نیازمندی های مختلف دارند. جوانان در افغانستان منحصیث کتله اجتماعی در محیط فرهنگی و اقتصادی آغشته با نا آمنی ها به دوره جوانی رسیده اند. بناً این پالیسی برای رسیده گی به

حل مشکلات آنها و همچنان برنامه ریزی های دقیق و هماهنگ ادارات دولتی و غیر دولتی برای توانمند سازی جوانان اولویت هایی را تعیین نموده است.

بہتر است کہ بر اساس نیازمندی های اجتماعی و اقتصادی جوانان و برنامه های انکشافی دولت گروه های جوانان را منحیث مخاطبین و مستفید شونده گان دسته بندی نماییم. این پالیسی در برگیرنده گروه های ذیل از جوانان می باشد:

- ۱- زنان جوان و دختران.
- ۲- جوانان غریب.
- ۳- جوانان بیکار، و کارگران جوان کہ مشغول کار های آسیب پذیر اند.
- ۴- جوانان کہ به تعلیم دسترسی ندارند و جوانان کہ شامل مکاتب نیستند.
- ۵- جوانان و نوجوانانی کہ به خدمات صحی دسترسی ندارند.
- ۶- جوانان مصاب به ایدز (HIV) و بیماری های مزمن.
- ۷- جوانان دارای معلولیت.
- ۸- جوانان معتاد.
- ۹- جوانان خشونت دیده به شمول خشونت های مبتنی بر جنسیت.
- ۱۰- جوانان دهاتی.
- ۱۱- جوانان مهاجر(به شمول بیجا شده گان داخلی و عودت کننده گان).
- ۱۲- جوانان افراطی.
- ۱۳- جوانان و نوجوانان بی سرپرست.
- ۱۴- جوانان به انزوا کشانیده شده از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.
- ۱۵- جوانان ورزش کار.

گروه های مورد نظر

در مجموع پالیسی ملی جوانان مشکلات و نیازمندی های کتگوری های فوق را مدنظر می گیرد ولی اولویت های این پالیسی رسیده گی به ضرورت ها و نیازمندی های گروه های ذیل کہ بسیار آسیب پذیر و محرومیت های خاص دارند، می باشد:

- ۱- زنان جوان و دختران.
- ۲- جوانان بیکار، و کارگران جوان کہ مشغول کار های آسیب پذیر اند.
- ۳- جوانان کہ به تعلیم دسترسی ندارند و جوانان کہ شامل مکاتب نیستند.
- ۴- جوانان و نوجوانانی کہ به خدمات صحی دسترسی ندارند.
- ۵- جوانان دارای معلولیت.
- ۶- جوانان معتاد.
- ۷- جوانان دهاتی.
- ۸- جوانان افراطی.
- ۹- جوانان به انزوا کشانیده شده از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.

الف: زنان جوان و دختران

در جامعه ما زنان جوان و دختران با مشکلات جنسیتی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراوان رو برو اند. زنان در افغانستان در بسیاری از شاخص های توسعه به شمول حقوق بشر، تعلیم، صحت، شغل و مشارکت در وضعیت نا مطلوب قرار دارند. با وجودی که تساوی جنسیتی در قانون اساسی افغانستان تسجیل گردیده است و کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان از سال 1382 هـ.ش نافذ گردیده، هنوز هم راه دراز در پیش است تا زنان جوان و دختران بتوانند دسترسی به حقوق اساسی بشری و فرصت های مساویانه مشارکت در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند.

زنان جوان و دختران، در مقایسه با مردان با چالش های عمده و مختلف، از لحاظ کیفی، در عرصه صحت مواجه هستند. در مجموع، بنابر مشکلات فرهنگی و سطح پایین سواد آنها زنان دسترسی کمتر به خدمات صحتی و معلومات دارند. اکثریت زنان جوان به خدمات صحتی اولیه دسترسی ندارند. افغانستان یکی از بالاترین میزان مرگ و میر مادران را در جهان داراست. در این کشور میزان بلند ولادت توسط نوجوانان (۹۰/۱۰۰۰ زنان جوان بین سنین ۱۵ الی ۱۹ سال) (گزارش اول صندوق جمعیت ملل متحد، سال ۱۳۹۱ هـ.ش) خطر بزرگی را متوجه صحت زنان جوان و دختران می سازد. مشکلات صحتی ناشی از بارداری و زایمان، علل اصلی مرگ و میر در میان دختران نوجوان بین سنین ۱۵ الی ۱۹ سال در کشور های رو به انکشاف است. از جمله ناتوانی هایی که مرتبط به زایمان زود رس می باشد فیستول زایمان، زخم همراه با درد دوامدار برای دختران، در معرض قرار گرفتن عفونت، ناخود داری، و اکثراً دوری جستن از آنها توسط شوهران، اعضای فامیل و خویش و قوم شان می باشد.

در افغانستان، اکثریت ولادت ها توسط نوجوان در جریان زنده گی زنا شوهری صورت میگیرد که این خود مبارزه با ازدواج زود هنگام (قبل از سن ۱۸ سالگی) و ترویج حقوق صحت باروری و جنسی بین نوجوان را مهم می سازد. به اساس سروی خوشه یی چند شاخصه افغانستان (AMICS) در سال ۱۳۸۹/۱۳۹۰، ۱۵،۲ فیصد زنان قبل از سن ۱۵ سالگی عروسی نموده بودند، در حالیکه ۴۶ فیصد آنها قبل از سن ۱۸ سالگی عروسی کرده بودند. همچنان تفاوت سنی قابل ملاحظه بین پسران و دختران جوان که متاهل اند وجود دارد. این سروی نشان میدهد که ۱۱ درصد از زنان مورد مطالعه در سن ۱۵ تا ۱۹ و ۱۴ درصد از زنان مورد مطالعه ۲۰ الی ۲۴ ساله با مردان حد اقل ده سال بزرگتر از آنها ازدواج کرده اند. خشونت بر اساس جنسیت یکی از خطرات متوجه به صحت زنان جوان و دختران می باشد. به خصوص دخترانی (از ۱۰ الی ۱۴ سال) که قربانی عروسی های اجباری می شوند از لحاظ خشونت جنسیتی آسیب پذیر اند. مطالعات انجام شده در مورد خشونت های داخلی در افغانستان نشان میدهد که یکی از سه دختر، در این گروه سنی، قربانی خشونت های جنسی می شود و ۶۲،۵ درصد از آنها خشونت فزینی را تجربه کرده اند (گزارش جهانی حقوق، ۱۳۸۷).

در حالی که پیشرفت های چشمگیری در بخش تحصیل زنان در سال های اخیر به وجود آمده است، هنوز هم مسایل جنسیتی مانع تعلیم آنها می شود. به اساس معلومات یونیسف (۱۳۹۰) نرخ باسوادی بزرگسالان (۱۵ ساله و بالاتر) ۳۹ درصد می باشد، این در حالیست که میزان سواد زنان بالغ فقط ۱۳ درصد در سطح جهان می باشد. برای زنان جوان (۱۴ تا ۱۵ سال) این فاصله تعلیمی گسترده تر است، سطح سواد بین زنان جوان ۱۸ درصد در حالیکه سطح سواد مردان جوان در مقایسه به زنان ۵۰ درصد می باشد (طرح آموزش سازمان ملل متحد برای دختران).

زنان جوان نسبت به مردان جوان فرصت های کم کاری دارند. تناسب اشتغال به جمعیت (سن ۱۵ تا ۶۴ سال) در افغانستان نشان دهنده تفاوت بزرگ از نقطه نظر جنسیتی می باشد: ۸۰ در صد برای مردان و ۴۳ در صد برای زنان، با نسبت کلی ۶۲ درصد (سروی خطر و آسیب پذیری ملی، ۱۳۸۷). سهم زنان در اشتغال در سکتور غیر زراعتی تنها ۸ درصد است. این معضل جنسیتی در اشتغال عمدتاً بنا بر نگرش های فرهنگی محافظه کارانه است که مانع حضور زنان در جامعه گردیده و همچنان مانع تعداد زیاد آنها از مکتب رفتن، آموزش و کار در بیرون از منازل شان میشود.

با آن که دولت افغانستان چندین کرسی پارلمان را به زنان اختصاص داده است ولی در حقیقت زنان، به خصوص زنان جوان تأثیر بسیار کمی در فرایند تصمیم گیری ها، در سطح ملی و محلی دارند.

ب: جوانان بیکار، (عدم اشتغال کامل) و کارگران جوان که مشغول کار های آسیب پذیر اند
فرصت های شغلی برای جوانان افغانستان به شدت محدود است و فرصت های که موجود هم می باشد اغلب آنها فاقد کیفیت خوب می باشد. وضعیت ناخوشایند اشتغال زایی جوانان ناشی از چالش های مرتبط به تقاضای بازار کار (رشد شغل ها) عرضه (فقدان و عدم تطابق مهارت ها)، و پالیسی کلی نا مطلوب و ضعف هماهنگی است. در بخش تقاضای کار، نگرانی های دوامدار امنیتی، ترس از جریان بعد از دوره انتقال در سال ۱۳۹۳ هـ ش و ظرفیت پایین ادارات دولتی جهت ایجاد فضای مناسب برای سرمایه گذاری منجر به کاهش در رشد اقتصادی شده است (بانک جهانی ۱۳۹۱). رشد اقتصادی و اشتغال زایی در افغانستان به حدی نیست که بتواند سالانه برای ۴۰۰۰۰۰ هزار متقاضیان کار زمینه کار را مساعد سازد (سازمان جهانی کار، ۱۳۹۱). به اساس معلومات سروی خطر و آسیب پذیری ملی در سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ نشان دهنده سطح بلند بیکاری بین جوانان است. اکثریت جوانان بیکار را در کشور جوانان بیسواد و جوانانی که مهارت های کافی ندارند، تشکیل میدهد ولی در شهر ها جوانانی که از پوهنتون ها فارغ می شوند اکثر آنها بیکار هستند. فرصت برای کار آفرینی جوانان با توجه به عدم دسترسی آنها به منابع مالی و آگاهی از مسایل مالی محدود است.

فقر مزمن بین جوانان آنها را وادار می سازد تا از هر نوع فرصت های کاری که برای آنها مساعد می گردد، استفاده نمایند که این خود منجر به متوسل شدن به انواع کار های خطرناک می شود. سکتور غیر دولتی (از جمله فعالیت های غیر قانونی) ۸۰ الی ۹۰ در صد فعالیت های اقتصادی افغانستان را تشکیل میدهد. به اساس سروی خطر و آسیب پذیری ملی (سال های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) اکثریت مردم (۷۷ در صد) دارای مشاغل نامطمین و به عنوان کارگر و یا کارگران خانواده گی بدون مزد کار می کنند. ۶۰ در صد نیروی کار در بخش زراعت (به اساس معلومات سازمان جهانی کار در سال ۱۳۹۰ زراعت تنها ۲۳ در صد در تولیدات نا خالص داخلی افغانستان کمک کرده است) به مصرف میرسد حالانکه از تولید در این بخش بهره کم میگیرند و تنها امرار معیشت می کنند.

چالش ها در عرضه کار به اساس تقاضا بسیار جدی است. به اساس تخمین دولت افغانستان سالانه در حدود ۱۵۰۰۰ الی ۲۰۰۰۰ هزار تقاضا برای کار در سکتور اول، دوم و سوم در سطح فعلی توسعه اقتصادی وجود دارد. اما عوامل متعددی وجود دارد که به عنوان موانع برای داشتن چنین افرادی که میتوانند مستقیماً بعد از یک دوره آموزشی استخدام گردند، عمل می کند. به عنوان نخستین عامل تعداد کم از فارغ التحصیلان مکاتب علاقمند به آموزش مسلکی و حرفوی می باشند. اگر چه سالانه در حدود ۲۰۰۰۰۰۰ هزار جوانان فارغ التحصیل از مکاتب امتحان کانکور را جهت شمولیت در پوهنتون های دولتی و خصوصی سپری می کنند فقط ۵ در صد

آنها آموزش های فنی و حرفوی را منحیث مسلک آینده شان انتخاب می کنند. سکتور تعلیمات تخنیکي و مسلکی در افغانستان تنها به اساس عرضه خدمات بسنده میکند و اداراتی که این خدمات را عرضه میکنند در مجموع بی توجه و یا نگرانی از کارایی فارغین که آیا این مهارت های که آنها حاصل نموده اند به اساس تقاضای بازار کار است و یا خیر، ندارند. عدم موجودیت یک سیستم قوی صدور مجوز و گواهینامه، عدم کنترل منظم بر آموزش عمومی و خصوص و اداراتی که خدمات آموزشی را عرضه می کنند و همچنان سطح پایین مهارت های فنی و مسلکی معلمان و مربیان، جوانان را نسبت به تعلیمات تخنیکي و مسلکی بی میل نموده است. عدم موجودیت بالقوه فرصتهای کاری و خدمات مشورت دهی حرفه یی برای جوانان افغانستان باعث عدم تطابق مهارت ها به اساس تقاضای بازار کار میگردد. بسیاری از جوانان از فرصت های شغلی و آموزشی که در دسترس آنها است، و یا این که چه مهارت ها را کار فرمایان برای اجرا کار نیاز دارند، آگاه نیستند. عدم موجودیت معلومات در رابطه به تقاضای بازار کار و کارگران جوان در افغانستان منجر به نداشتن پالیسی مؤثر و بر اساس شواهد برای اشتغال زایی جوانان می گردد.

ج: جوانان که به تعلیم دسترسی ندارند و جوانان که شامل مکاتب نیستند

در یک دهه گذشته افغان ها شاهد توسعه سراسری معارف در سطح کشورشان بوده اند. تعداد زیاد از دختران و پسران به مکتب میروند و تعداد متعلمین اناث که مصروف دروس شان در مکاتب اند، در تاریخ کشور بی سابقه است. یکی از اهداف انکشافی هزاره افغانستان معارف برای همه است. اهداف تعمیم معارف در افغانستان، قانون معارف و پلان ملی استراتژیک معارف نشان دهنده نقش سازنده سیستم معارف (از نرسری الی تحصیلات عالی) در پروسه انکشاف ملی افغانستان می باشد. ولی از جانب دیگر تعداد زیاد از اطفال و جوانان بیسواد که در مکاتب نیستند، به خصوص زنان جوان و دخترانی که مهارت های کاری کم دارند، از لحاظ اجتماعی و اقتصادی برای نسلهای آینده مشکل آفرین خواهند بود.

همچنان میزان سواد زنان جوان (۱۵ تا ۲۴ سال) نسبت به مردان جوان در عین محدوده سنی پایینتر است: ۱۸ درصد زنان جوان در مقایسه به ۵۰ درصد مردان جوان (طرح آموزش سازمان ملل متحد برای دختران). تقریباً ۱۱ میلیون از نفوس جوان افغانستان که در محدوده سنی ۱۵ سالگی، و یا هم بالاتر از آن قرار دارند بنابر عوامل مختلف نتوانستند که به تعلیمات رسمی ادامه دهند و سند تحصیلی را به دست آورند. محرومیت این افراد نه تنها باید جبران گردد بلکه از توانایی بالقوه آنها برای توسعه آینده کشور استفاده اعظمی صورت گیرد.

ادامه درگیری ها و امنیت شکننده در کشور مانع شمولیت بیشتر اطفال و جوانان به مکاتب می شود و جریان نظارت و مدیریت از مکاتب و همچنان رساندن مواد درسی و لوازم مکاتب را دشوار می سازد. علاوه کمبود معلمان، به خصوص معلمان اناث عرضه خدمات با کیفیت تعلیمی را دشوار ساخته است. در واقع تنها ۲۷ در صد از معلمان در افغانستان واجد شرایط تدریس می باشند (اداره انکشاف بین المللی آلمان ۱۳۹۰).

با وجود تلاش های مداوم دولت جمهوری اسلامی افغانستان و سایر ادارات ذیعلقه ملی و بین المللی، تفاوت فاحشی در سکتور تعلیمی از نقطه نظر جنسیتی وجود دارد: از ۴،۲ میلیون اطفالی که از آموزش در مکاتب محروم اند ۶۰ در صد آن دختران اند و از جمله ۴۱۲ نواحی شهری و دهاتی در کشور در ۲۰۰ آن شاگردان طبقه اناث در صنوف دهم و دوازدهم اصلاً حضور ندارند (یونیسف ۱۳۹۰).

بر علاوه نگرانی های دوامدار امنیتی، فقر گسترده یکی از موانع اصلی برای اطفال و جوانان جهت دسترسی آنها به تعلیم و تربیه می باشد. کار توسط اطفال در افغانستان بسیار شایع است. به اساس معلومات سروی خوشه

بی چند شاخصه افغانستان (AMICS) در سال ۱۳۸۹/۱۳۹۰، ۲۵ در صد اطفال بین سنین ۵ الی ۱۴ سالگی مشغول فعالیت های اقتصادی می باشند.

د: جوانان و نوجوانانی که به خدمات صحتی دسترسی ندارند

اگر چه جوانی و نوجوانی مرحله زنده گی سالم پنداشته میشود ولی تعداد زیاد زنان جوان، دختران و پسران با مشکلات صحتی مانند صحت باروری و استفاده از مواد مخدر رو برو اند. میزان بلند ولادت در افغانستان بین دختران (از هر ۱۰۰۰ زن ۹۰ آنها بین سنین ۱۵ و ۱۹ طفل به دنیا می آورد) خطر جدی را به صحت زنان جوان متوجه می سازد (گزارش وضعیت نفوس جهان، صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، سال ۱۳۹۱، نیویارک). افغانستان بلندترین میزان مرگ و میر مادران را در جهان دارد. در این کشور سالانه یک زن از هر هشت زن به خاطر مسایل حاملگی و زایمان جان خود را از دست می دهد. (وزارت امور خارجه امریکا، وضعیت حقوق بشر، سال ۱۳۹۰ <http://www.state.gov/outofdate/bgn/afghanistan/191350.htm>).

خطر مرگ و میر و ناتوانایی ولادی برای زنان جوان بسیار بلند است: میزان مرگ و میر هنگام حاملگی و یا ولادت بین دختران که در بین سن ۱۰ و ۱۴ قرار دارند ۵ برابر بیشتر نسبت به زنان که بین سن ۲۰ و ۲۴ قرار دارند است و همچنان دو برابر دخترانی است که در سن ۱۵ و ۱۹ قرار دارند (صندوق جمعیت ملل متحد (۲۰۰۷)، چارچوب برنامه عمل برای نوجوانان و جوانان، نیویارک).

در افغانستان، تعداد زیاد از ولادت های قبل از وقت در جریان زنده گی زنا شوهری صورت می گیرد، که این خود جلوگیری از دواج های قبل از وقت و همچنان توسعه صحت جنسی و صحت باروری را الزامی می سازد. به اساس معلومات صندوق وجهی جمعیت سازمان ملل متحد ۳۹ در صد دختران جوان در افغانستان که بین سنین ۱۲ الی ۲۴ قرار دارند ازدواج می کنند و یا هم قبل از سن ۱۸ سالگی زنده گی خانواده گی را اختیار می کنند (صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، ازدواج های قبل از وقت، خاتمه دادن به ازدواج در طفولیت، نیویارک).

به اساس معلومات صندوق وجهی سازمان ملل متحد برای زنان (UNIFIM) در سال ۱۳۸۷، ۵۷ در صد دختران قبل از سن ۱۶ سالگی که سن ازدواج قانونی است، ازدواج نموده اند (صندوق وجهی ملل متحد برای زنان (۱۳۸۷)، برگه حقایق، کابل).

همچنان زنان جوان در افغانستان دسترسی کمتر به خدمات و معلومات صحتی، بنابر مشکلات فرهنگی و بیسوادگی، دارند. به طور مثال، در ارزیابی که در این آواخر توسط وزارت صحت عامه صورت گرفته است واقعات توبرکلوز در زنان جوان که در بین سن ۱۵ و ۲۴ قرار دارند نسبت به مردان جوان در همین محدوده سنی، دو برابر است (وزارت صحت عامه/برنامه ملی کنترل توبرکلوز در افغانستان، سال ۱۳۹۰. مطالعه واقعات بلند توبرکلوز مرتبط به صحت باروری، کابل-افغانستان).

سروی ارزیابی مشارکتی جوانان نشان میدهد که تعداد زیاد از جوانان افغانستان از امراض روانی که در اثر ضربه روحی (Trauma) و پریشانی های مرتبط به جنگ، مهاجرت، فقر و بد امنی ناشی می شود، رنج می برند (خدمات مشورتی سمویل هال (۱۳۹۱) ارزیابی جوانان افغانستان، کابل، مسوده). همچنان سروی ها، در سطح ملی و محلی، نشان می دهد که از هر دو نفر یکتن در محدوده سنی ۱۵ و بالاتر از آن مبتلا به اختلالات روانی مانند افسرده گی، اضطراب و اختلالات استرسی پس از حادثه (Post Traumatic Stress Disorder)

می باشد (سید غلام محمد دستگیر (۱۳۹۰)، صحت روانی در افغانستان، بار مسئولیت، چالش ها و راه حل ها، کابل).

با وصف این که جوانان 68 در صد نفوس کشور را تشکیل می دهد، خدمات صحتی خاص که این گروه از مردم افغانستان را هدف قرار دهد، وجود ندارد. عدم توجه خاص به صحت جوانان، قسماً، از نداشتن ارقام دقیق در مورد نیازمندی های صحتی جوانان است. مسایل مربوط به صحت جوانان باید در استراتژی و خدمات ملی صحت مدنظر گرفته شود.

ه: جوانان دارای معلولیت

در افغانستان آمار دقیق از معلولیت وجود ندارد، با این حال تعداد از سروی ها در سطح ملی نشان میدهد که این کشور یکی از بلند ترین رقم افراد دارای معلولیت را داراست. به اساس تخمین سروی ملی معلولیت در افغانستان (National Disability Survey Afghanistan) در سال ۱۳۸۴ شیوع معلولیت (شدید) تقریباً ۲،۷ درصد از نفوس افغانستان را احتوا می کند که این فیصدی مساوی به ۶۰۰،۰۰۰ نفوس افغانستان می باشند^۲. به اساس تخمین های سازمان جهانی صحت (WHO) و دیگر ادارات ملل متحد تعداد افراد دارای معلولیت در افغانستان تقریباً به ۲ میلیون تن میرسد (اداره انکشافی سازمان ملل متحد ۱۳۸۶). جنگ و مابین صد ها هزار افغان را معلول ساخت این در حالیست که تعداد بیشتر از آن از بدو تولد بنابر عدم درمان کافی، حادثات، و یا سوء تغذیه و بیماری های قابل پیشگیری مانند فلج اطفال و یا سل معلولیت را از خود ساختند (سروی ملی معلولیت در افغانستان، ۱۳۸۴).

افراد دارای معلولیت دسترسی کمتر به تعلیم نسبت به افراد سالم از لحاظ فزیکاری دارند. به اساس سروی ملی معلولیت در افغانستان تقریباً ۷۳ در صد از افراد دارای معلولیت از تعلیم بی بهره اند و این رقم برای کسانی که معلولیت ندارند ۵۱،۴ در صد است. حتی این رقم برای افرادی که قبل از سن ۷ سالگی معلول شده اند پایین تر است، میزان دسترسی اطفال که به مکتب میروند دو برابر از اطفالی است که قبل از سن ۷ سالگی معلول شده اند. علاوه بر این موازی با عدم مراعات نمودن تساوی جنسیتی در تعلیم و تفاوت های کلی از لحاظ جغرافیایی در تعلیم دختران دارای معلولیت دست آورد های کمتری در بخش تعلیم نسبت به پسران دارای معلولیت دارند و اطفال و جوانان دارای معلولیت دسترسی کمتر به آموزش در مکاتب نسبت به اطفال و جوانان شهری دارند. بناً دختران دارای معلولیت در دهات کشور یکی از گروه های آسیب پذیر از اطفال و جوانان کشور پنداشته می شود. فقط ۱۰ درصد دختران دارای معلولیت (آنانی که قبل از ۷ سالگی معلول شده اند) به آموزش دسترسی دارند. جهت رسیده گی به این نقیصه در معارف، وزارت معارف و تعدادی از انجوها که تعداد مکاتب را جهت ارائه خدمات تعلیمی خاص و همچنان یک بخش خاصی را به منظور تسهیل و شمولیت افراد دارای معلولیت به طور عموم در مکاتب در چوکات وزارت معارف ایجاد نموده است. علاوه بر آن وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین همراه به یکتعداد از انجوها برنامه آموزش مهارت ها را برای افراد دارای معلولیت تدوین نموده است. گروه کاری فراگیر جهت هماهنگی برنامه های تعلیمی و دیگر فعالیت در راستای تعلیم برای افراد دارای معلولیت ایجاد گردیده است. بر علاوه محروم بودن از نظر دسترسی به خدمات اساسی افراد دارای معلولیت خصوصاً افرادی که از لحاظ عقلی معلولیت دارند با برخورد تبعیض آمیز و حقارت روبرو می شوند.

و: جوانان معتاد

^۲ سروی ملی معلولیت در افغانستان به اساس نفوس تخمینی ۲۲،۲ میلیون صورت گرفته است.

افغانستان بزرگترین تولید کننده هروئین در جهان است و در حال حاضر اعتیاد به مواد مخدر به یکی از چالش های عمده به خصوص در میان جوانان کشور مبدل گردیده است. اعتیاد گسترده بین جوانان و عدم تداوی آنها می تواند منجر به مشکلات اجتماعی از قبیل جرم و انحرافات اجتماعی، بیکاری و فقر مزمن شود.

سروی که در سال ۱۳۸۸ توسط اداره کنترل جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNODC) به همکاری وزارت مبارزه علیه مواد مخدر انجام شد، نشان میدهد که حدود یک میلیون افغان (بین سنین ۱۵ الی ۶۴ سال) از مواد مخدر غیر قانونی در افغانستان استفاده می کنند. سروی اداره کنترل جرایم و مواد مخدر ملل متحد همچنان نشان میدهد که ۶۰ درصد مصرف کننده گان مواد مخدر از تریاک استفاده می کنند و مصرف کننده گان انواع دیگر مواد مخدر مانند چرس در جریان یک دهه گذشته افزایش چشمگیر داشته است.

در این سروی همچنان آمده است که در مناطق شمال و جنوب افغانستان ۵۰ درصد از والدین که از مواد مخدر استفاده می کنند به فرزندان شان تریاک میدهند که این عمل آنها به میزان بلند از سوء مصرف مواد مخدر در میان جوانان کمک می کند. تزریق مواد مخدر و مقاربت های جنسی نا مشروع در مقابل پول و یا مواد مخدر به شیوع عفونت های جنسی (امراض منتقل شونده از طریق مقاربت های جنسی) به شمول ایدز (HIV) و دیگر امراض منتقله از راه خون کمک می کند. به اساس نظارتی که توسط پوهنتون جانز هاپکینز در سال ۱۳۸۹ از اختلالات رفتاری و بیولوژیکی انجام شد، نشان میدهد که شیوع مرض ایدز (HIV) میان تزریق کننده گان مواد مخدر در افغانستان به ۷،۲ درصد میرسد و ۴۰ درصد آنها به زردی سیاه (Hepatitis C) مبتلا اند.

شمار مراکز درمان اعتیاد در افغانستان بسیار کم است. به اساس معلومات وزارت مبارزه علیه مواد مخدر ظرفیت فعلی در سکتور دولتی و خصوصی برای درمان اعتیاد در کشور فقط ۱۰ الی ۱۲ هزار تن در سال است (این رقم فقط ۲،۸۶ درصد مصرف کننده گان تریاک و هیروئین را در بر می گیرد) (وزارت مبارزه علیه مواد مخدر، ۱۳۹۱). در پالیسی ملی کاهش تقاضا برای مواد مخدر وزارت مبارزه علیه مواد مخدر در رابطه به چالش های مزید درمان اعتیاد از جمله فقدان یک سیستم صدور جواز برای ایجاد مراکز درمان اعتیاد و صدور گواهینامه برای مشاوران معتادین و همچنان از عدم در موجود امکانات جهت تداوی معتادین الکول یا چرس اشاره نموده است. در محلاتی که مراکز درمان اعتیاد موجود است در آن محلات تبلیغات لازم درمان اعتیاد جهت آگاه ساختن مردم وجود ندارد.

ز: جوانان دهاتی

مانند سایر کشور های در حال توسعه، فرق بزرگ در سطح توسعه بین مناطق شهری و روستایی در افغانستان دیده می شود. در مجموع جوانان در دهات نسبت به جوانان شهری دسترسی کمتری به خدمات صحی، تعلیمی و فرصت های کاری دارند. همچنان عدم رعایت تساوی جنسیتی در دهات افغانستان نسبت به شهر ها قابل ملاحظه است. مجموع نفوس افغانستان در سال ۱۳۹۰ هـ ش حدود ۲۶،۵ میلیون تخمین گردیده است. از این جمله ۵۱ درصد نفوس را ذکور و ۴۹ درصد نفوس کشور را اناث تشکیل میدهد. به اساس آمار ها ۱۹،۱ میلیون افغان مسکون در دهات، ۵،۹ میلیون در شهر ها و ۱،۵ میلیون به شکل کوچی گری زنده گی می کنند. سروی خطر و آسیب پذیری ملی (۱۳۸۶/۱۳۸۷) نشان دهنده تفاوت های قابل توجه در شیوع فقر از لحاظ جغرافیایی است: فقر به طور اوسط در نفوس روستایی افغانستان نزدیک به ۳۶ درصد است ولی سطح فقر در شهر ها نسبتاً پایین (۲۹ درصد) می باشد، ولی قابل یاد آور است که سطح فقر در نفوس کوچی کشور بسیار بلند (۵۴ درصد) می باشد. در دهات سطح بلند فقر را از میزان اشتغال زایی بر نفوس (۶۶ درصد در دهات بیکار) در مقایسه به شهر ها (۴۴ درصد بیکار) به خصوص میان زنان که سطح بیکاری آنها با سطح بیکاری در دهات و شهر ها یکسان است، میزان اشتغال زایی به اساس نفوس برای زنان در دهات افغانستان ۱۶ درصد

و در شهر ها ۵۰ در صد میباشد، با در نظر داشت این واقعیت بسیاری از خانواده ها در دهات کشور باید کار کنند تا امرار معیشت نمایند (سروی خطر و آسیب پذیری ملی ۱۳۸۶/۱۳۸۷).

اکثریت نفوس دهات کشور در سکتور زراعت کار می کنند. با وصف آن تولیدات زراعتی بسیار کم است و فکتور های اساسی برای توسعه زراعت مانند تکنالوژی، سرک ها، سیستم آبیاری و آموزش های فنی زراعتی بنابر جنگ و نا امنی، عدم مراقبت درست و خشک سالی های پی هم در وضعیت خوب نمی باشد. در حالیکه در سکتور زراعت ۶۶ در صد نیروی کار مصروف است و ۸۰ در صد از خانواده ها در افغانستان به نحوی وابسته به در آمد زراعتی می باشند، با وجود آن این سکتور ۳۶ در صد از تولیدات نا خالص داخلی (GDP) را تشکیل میدهد (سازمان جهانی کار ۱۳۹۱).

با وصف پیشرفت های قابل ملاحظه در میزان شمولیت شاگردان در مکاتب، ولی هنوز هم تفاوت چشمگیر در سطح دهات و شهرها وجود دارد. به اساس سروی خوشه یی چند شاخصه افغانستان (AMICS) در سال ۱۳۸۹/۱۳۹۰ میزان سواد زنان در دهات سه چند کمتر از سطح سواد زنان در شهرها است. به اساس این سروی میزان سواد بین زنان جوان (بین سن ۱۵ الی ۲۴ سال) شهری ۵۱،۶ در صد و زنان جوان دهاتی در این محدوده سنی فقط ۱۵،۱ در صد می باشد.

همچنان جوانان در دهات از حقوق صحتی خود برخوردار نیستند و دسترسی به خدمات صحتی ندارند. تفاوت چشمگیری خصوصاً در مورد صحت باروری و حقوق صحت باروری بین جوانان در دهات و شهرها وجود دارد. سروی خوشه یی چند شاخصه افغانستان نشان میدهد که در شهرها خدمات مراقبتی قبل از ولادت (توسط داکتر، نرس و یا قابله) برای زنان (بین سنین ۱۵ الی ۴۹ سال) ۷۷ در صد نفوس را تحت پوشش قرار میدهد حالانکه که این رقم در مقایسه با زنان در دهات ۴۱ در صد است. این سروی همچنان نشان میدهد که احتمال عروسی دختران قبل از سن ۱۵ سالگی سه برابر بلندتر نسبت به شهرها می باشد. به همین منوال تفاوت بین زنان جوان (بین سنین ۲۰ و ۲۴ سالگی) که قبل از سن ۱۸ سالگی طفل به دنیا آورده اند و زنده مانده اند در سطح دهات و شهرها وجود دارد. زنانیکه در شهرها ولادت زنده داشته اند ۱۸ درصد است حالانکه در دهات ۲۷ در صد میباشد. سطح بلند ولادت های زنده در دهات نسبت به شهرها دختران نوجوان دهاتی را در معرض خطر حاملگی و عواقب نامطلوب فزینی و اجتماعی آن میسازد.

ح: جوانان افراطی

مطالعات در کشور های جنگ زنده نشان میدهد که جمعیت بزرگ جوان این کشورها که با فقر و بی عدالتی ها دست و پنجه نرم می کنند زمینه های وسیع گسترش افراط گرایی را مساعد می سازد. اگرچه افراط گرایی به طور عام تمام جوانان را هدف قرار نداده است ولی افراط گرایی در بین یک تعداد جوانان کشور، خصوصاً جوانان مقیم کشور های حامی افراط گرایی و دهات افغانستان دیده می شود. جنگ های داخلی و مداخلات کشور های خارجی بستر مناسب را برای گسترش افراطیت و ایدئولوژی آن مساعد ساخت. عوامل دیگر مانند فقر، بیسوادی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی، مهاجرت ها، ظلم و ستم باعث پرورش افکار افراط گرایی در کشور گردیده است.

علایم جلب و جذب جوانان افغانستان توسط شبکه های تروریستی خارجی، استفاده سوء از آنها علیه دولت و مردم به وضاحت دیده می شود. جوانان مهاجر افغان مقیم در کشور های حامی افراط گرایی از جانب سازمان های استخباراتی، آگاهانه و یا نا آگاهانه جذب شده و علیه منافع ملی افغانستان از آنها استفاده می شوند.

مخالفین مسلح دولت افغانستان تعداد زیاد از جوانان را که به نحوی از دولت شکایت دارند، و یا هم قربانی بی عدالتی های اجتماعی بوده اند، در صفوف خود جذب و به مرور زمان آنها شستشوی مغزی می شوند. اکثریت این افراد اطفال و جوانان می باشند.

با در نظر داشت موقعیت جغرافیایی افغانستان، تاریخ خشونت های سی ساله و همچنان مداخلات کشور های خارجی در امور افغانستان لازم است که برای جلوگیری از افراطی شدن جوانان برنامه های فراگیر و فرا سکتوری اتخاذ گردد. در این پالیسی، جوانان افراطی و یا معروض به افراط گرایی یکی از گروه های مورد نظر است و تلاش می شود راه های حل مناسب جهت جلوگیری از رشد افراطیت روی دست گرفته شود.

ط: جوانانی که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به انزوا کشانیده شده اند.

در جامعه ما ساختار های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور و برداشت های عنعنوی از جوانان، جوانان را از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به حاشیه کشانیده است. این مشکل در دهات کشور نسبت به شهر ها بیشتر می باشد. آسیب پذیری های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، در سطح ملی و محلی از ضعیف بودن برنامه های ملی جهت مشارکت جوانان و یا هم سیستم های بسته دولتی ناشی می شود.

پایین بودن سطح دانش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بین جوانان و بی توجهی به اصل مشارکت در تصمیم گیری ها در تمام سطوح، اکثریت جوانان کشور را به منزله تماشا چی عمل، کردار و رفتار بزرگان محل و مقامات دولتی ساخته است.

جوانان آسیب پذیر معمولاً از طرف جامعه، دولت و خانواده مورد حمایت قرار نمی گیرند. یک تعداد آنها بنا بر جنگ های داخلی در کشور از طفولیت بدینسو بی سرپرست شده اند و از لحاظ روانی در حالتی قرار ندارند که بر مشکلات اقتصادی شان فایق آیند. تعداد از این جوانان در کوچه ها و بازار دست به جرایم زده و باعث اذیت مردم می گردند.

وضعیت رقت بار زنان جوان و دختران، به خصوص در دهات افغانستان توجه جدی را از جانب دولت افغانستان و نهاد های غیردولتی می خواهد. اکثریت دختران جوان مصوونیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ندارند و ساختار های اجتماعی و سنتی افغانستان سازگار با برداشت های جهانی از حقوق زنان نیست.

تجاوز جنسی بر اطفال و زنان جوان یکی از واقعیت های تلخ جامعه ماست. واقعات تجاوز جنسی بر اطفال و دختران از گوشه و کنار گزارش می گردد. سیستم عدلی و قضایی فعلی افغانستان، به خصوص در دهات، به شکل درست تر به قضایای تجاوز جنسی رسیده گی کرده نمی تواند. در قوانین کشور فرار از منزل زنان جوان جرم نیست، ولی دیده شده است که ارگانهای عدلی و قضایی کشور زنان جوان را به خاطر فرار از منزل زندانی کرده اند.

ساحات کلیدی پالیسی ملی جوانان

ساحات کلیدی این پالیسی به اساس نیازمندی های جوانان ترتیب و تنظیم گردیده و قرار ذیل می باشد:

الف: اشتغال زایی برای جوانان

ادارات انکشافی، تعلیمی و آموزش فن و حرفه دولت و مؤسسات غیر دولتی، در هماهنگی با هم زمینه های وسیع کاریابی را وفق برنامه های ملی انکشافی، تنظیم منابع بشری و بازار کار برای جوانان و نو جوانان

کشور مساعد سازند. دولت باید نکات ذیل را منحصراً اولویت های پالیسی جوانان در امر اشتغال زایی دوامدار و مصوون در نظر گیرد. به طور مشخص دولت افغانستان باید استراتژی واقعیانه و چند بعدی اشتغال زایی را برای جوانان جهت رفع مشکلات بیکاری با در نظر داشت نکات ذیل طرح و ترتیب نماید:

- ۱- رسیده گی به مشکل فرصت های محدود کاری، عدم موجودیت اطلاعات و تحقیق از بازار کار به خصوص رسیده گی به عدم موجودیت اطلاعات در مورد قوای کار و اشتغال با در نظر داشت جنسیت و عمر.
- ۲- تدوین پالیسی و رفع مشکلات فرا روی ایجاد فرصت های شغلی مناسب برای جوانان خصوصاً در سکتور های زراعت و مالداری، انکشاف دهات، تکنالوژی معلوماتی، استخراج معادن، ترانسپورت، توریسم، صنعت و تجارت و همچنین ساختمان بندهای آب گردان و سایر ساحات برای جوانان به اساس این پالیسی.
- ۳- فراهم آوری زمینه کار برای جوانان در سکتور رسمی دولتی و شفافیت در استخدام.
- ۴- ترویج کارآفرینی پایدار جوانان با تزیید دسترسی آنها به منابع مالی، افزایش سطح سواد مالی آنها و مهارت های کسب و کار.
- ۵- توسعه برنامه های کاری عامه برای جوانان بی بضاعت به شمول مشاغل موسمی.
- ۶- ایجاد سیستم منسجم، فراگیر و تقاضا محور آموزش های تخنیکی و مسلکی در سطح ملی.
- ۷- حمایت بیشتر از تشریک مساعی بین سکتور تعلیمی دولتی با سکتور خصوصی جهت منطبق ساختن نصاب تعلیمی مکاتب به اساس تقاضای بازار.
- ۸- ترویج فرصت های کار آموزی جهت کسب تجربه کاری از طریق دوره های کار آموزی رسمی و غیر رسمی به شمول برنامه های کار آموزان دولتی و خصوصی.
- ۹- توسعه خدمات خاص کاریابی و فراهم نمودن رهنمود های شغلی به شمول ایجاد مراکز مشوره دهی کاریابی برای جوانان.
- ۱۰- توسعه فرصت های کاری مناسب برای جوانان در خارج از کشور و انکشاف برنامه های خاص برای جذب مجدد آنها در داخل کشور.
- ۱۱- تعدیلات لازم در قانون کارکنان خدمات ملکی جهت فراهم آوری فرصت های کاری در داخل دولت برای جوانان دارای معلولیت.
- ۱۲- بلند بردن سطح آگاهی جوانان از حقوق کاری آنها و ایجاد کمیته رسیده گی به امور کارگران جوان در چوکات اتحادیه ملی کارکنان افغانستان.

ب: صحت برای جوانان و نوجوانان

پالیسی صحت اطفال و نوجوانان (۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲) وزارت صحت عامه و استراتژی مربوط به آن در برگیرنده صحت اطفال و نوجوانان الی سن ۱۸ سال است. این پالیسی باید مرور گردد و رهنمود های واضح پالیسی و استراتژی، به اساس شواهد، برای نوجوانان و جوانان حسب تعریف از جوانان در این پالیسی، تدوین گردد. جوانان نیاز های صحتی خاص دارند و خدمات صحتی برای نوجوانان و جوانان باید به شکل بسته خدمات اساسی صحتی عرضه گردد. نکات ذیل در تدوین پالیسی ملی صحت نوجوانان و جوانان مدنظر گرفته شود.

1 - حقوق جنسی و صحت باروری جوانان و نوجوانان:

- ۱، ۱- تدوین استراتژی صحت جوانان و نوجوانان.
- ۱، ۲- مساعد ساختن زمینه دسترسی به عرضه خدمات مشورت دهی دوستانه صحت جنسی و باروری.

- ۳، ۱- مساعد ساختن زمینه های آسان دسترسی جوانان، اعم از دختر و پسر، به آموزش مهارت های زنده گی در مورد صحت جنسی و باروری در مکاتب و اجتماعات شان با در نظر داشت سن و سال آنها و مسایل حساس جنسیتی.
- ۴، ۱- بالا بردن سطح آگاهی مردم در مورد اثرات نامطلوب ازدواج های زود هنگام و بارداری در دوران نوجوانی.
- ۵، ۱- ترویج باروری پس از سن ۲۰ سالگی و آموزش رهبران مذهبی و سران قوم در رابطه به فواید فاصله کافی بین ولادت ها.
- ۶، ۱- ایجاد یک سیستم موثر ثبت ولادت ها و تذکره تابعیت ملی و ثبت احوال ازدواج ها به اساس قوانین ملی کشور.
- ۷، ۱- استفاده از علمای دینی و سران قومی منحصیث بازیگران کلیدی برای آوردن تغییر مثبت از طریق تطبیق پالیسی صحت جنسی و باروری.
- ۸، ۱- بلند بردن سطح آگاهی عامه و دسترسی عمومی جهت پیشگیری، مواظبت و علاج از ایدز (HIV) و حمایت از افراد که مبتلا به این مریضی و یا سایر امراض منتقله از مقاربت های جنسی می باشند. به راه انداختن کمپاین ها جهت آوردن تغییر مثبت در ذهنیت مردم در قبال افرادی که مصاب به مرض ایدز هستند.

۲: اعتیاد:

- ۱، ۲- بلند بردن سطح آگاهی جوانان از تاثیرات منفی سوء مصرف مواد نشه آور.
- ۲، ۲- از دیداد تسهیلات خدمات دوستانه برای جوانان معتاد به مواد مخدر و بلند بردن سطح دسترسی آنها به خدمات ترک اعتیاد در سطح ملی و محلی.
- ۳، ۲- توسعه برنامه های منسجم که در ترکیب آن مبارزه با مواد مخدر، اعتیاد و اصول برای دریافت راه های حل بدیل در آن برای در آمد ذکر شده باشد.

۳: صحت روانی جوانان و نوجوانان

- ۱، ۳- به راه انداختن تحقیقات در مورد صحت روانی نوجوانان و جوانان در افغانستان.
- ۲، ۳- بلند بردن کمیت و کیفیت سیستم منسجم مراجعه جوانان و عرضه خدمات دوستانه برای مراقبت از صحت روانی آنها.
- ۳، ۳- بلند بردن سطح آگاهی مردم و میزان حساسیت آنها نسبت به مسائل عمومی صحت روانی از جمله افسرده گی، اضطراب و اختلال استرس بعد از تروما.

۴: خشونت جنسی:

- ۱، ۴- بلند بردن سطح آگاهی عامه در مورد خشونت های جنسی.
- ۲، ۴- تطبیق قانون برای اعاده حقوق قربانیان خشونت های جنسی.
- ۳، ۴- آموزش و متوجه ساختن نهاد های تنفیذ کننده قانون در مورد خشونت های جنسی و دریافت راه های محافظت از قربانیان.
- ۴، ۴- آموزش و متوجه ساختن کارمندان صحتی در مورد خشونت های جنسی.
- ۵، ۴- ایجاد محیط دوستانه و مصون برای قربانیان خشونت های جنسی.

۵- طرز زنده گی سالم:

- ۱،۵- جا بجایی آموزش های صحی، تغذیه و فواید صحی ورزش در نصاب تعلیمات رسمی و غیررسمی.
- ۲،۵- بلند بردن سطح آگاهی عامه در مورد طرز زنده گی سالم.
- ۳،۵- فراهم آوری زمینه های آسان، دوستانه و از لحاظ فرهنگی حساس ورزش و سرگرمی برای جوانان.

ج: تعلیم، تحصیل و تعلیمات تخنیکي، مسلکی و حرفوی

در اکثر ولایات افغانستان، خصوصاً در مناطق روستایی زیر ساخت های تعلیمی، از لحاظ کمی و کیفی، به توسعه ضرورت دارند. دولت و سکتور خصوصی باید مشترکاً زمینه ها و امکانات دسترسی آسان به تعلیم، تحصیل و آموزش های تخنیکي، مسلکی و حرفوی به خصوص برای زنان جوان و دختران، را بیشتر فراهم سازد. ادارات دولتی و غیر دولتی باید نکات ذیل را جهت عرضه تعلیمات، تحصیلات عالی و آموزش فن و حرفه را برای نوجوانان و جوانان در نظر گیرند:

۱- افزایش فرصت های فراگیر تعلیم باکیفیت و مصون برای جوانان و نوجوانان محروم به خصوص برای جوانان دارای معلولیت و زنان جوان و دخترانی که دردهات و در نقاط دور دست کشور بود و باش دارند.

۲- بلند بردن کیفیت مدیریت ادارات ذیربط دولتی در سکتور تعلیم و تحصیل.

۳- دولت افغانستان، انجوها و سکتور خصوصی باید سیستم معیاری تعلیمی / نصاب را در سراسر کشور و در تمام بخش ها طوری توسعه دهد که انعطاف پذیر، مشارکتی، از لحاظ دینی، فرهنگی، زبانی و جنسیتی حساس و به اساس تقاضا و آموزنده بوده باشد.

۴- تعلیم بزرگسالان باید بخشی از جریان اصلی تعلیم باشد تا در مجموع برای بزرگسالان زمینه فراگیری علم، تعلیمات اسلامی و تعلیمات تخنیکي، مسلکی و حرفوی مساعد گردد.

۴- بهبود کیفیت و دسترسی به سیستم تعلیمات تخنیکي، مسلکی و حرفوی از طریق:

۱،۴- حمایت از طرح برنامه های تعلیمات تخنیکي و مسلکی رسمی و غیر رسمی در مجموع به اساس نیازمندی های چارچوب قابلیت های ملی افغانستان به خصوص مورد نظارت از تعلیمات تخنیکي، مسلکی و حرفوی.

۲،۴- سهل ساختن دسترسی جوانان به انستیتوت های تعلیمات تخنیکي، مسلکی و حرفوی به خصوص جوانان دهاتی، زنان جوان، جوانان دارای معلولیت و جوانان زندانی.

۳،۴- ایجاد سیستم آموزش مبتنی بر شایستگی به اساس ستندرد های شغلی، صدور جواز رسمی، ارزیابی آموزش مبتنی بر شایستگی و صدور گواهینامه برای دانش آموزان ماهر جوان و کارکنان.

۴،۴- ایجاد میکانیزم هماهنگی لازم فی ما بین تمام سکتور های ذیدخل در عرضه خدمات تعلیمات تخنیکي، مسلکی و حرفوی به اساس تقاضای بازار.

۵- ایجاد محیط مناسب برای سکتور خصوصی جهت سرمایه گذاری بیشتر در بخش معارف و همچنان مساعد ساختن زمینه مشارکت بین سکتور خصوصی و دولت.

۶- بلند بردن سطح آگاهی عامه از ارزش های تعلیم، تحصیل و تعلیمات تخنیک، مسلکی و حرفوی.

۷- ترویج تعلیمات غیر رسمی در کشور.

۸- تشویق برای استفاده از فرصت های تعلیمی در تمام عمر جهت سازگاری با تغییرات که در محیط کار به اساس پیشرفت های تکنالوژی و توسعه کاری که در داخل اداره به وجود می آید.

۹- مساعد ساختن زمینه های بیشتر تحصیلات عالی به خصوص برای جوانان دهاتی و زنان جوان. بلند بردن ظرفیت های شاگردان جهت آماده گی آنها به تحصیلات عالی.

۱۰- توسعه عرضه خدمات تعلیمات اسلامی در سطح ملی و محلی.

د: مشارکت

جوانان بخشی از راه حل هستند. مشارکت جوانان در ساختارها و تصمیم گیری های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یکی از ساحات عمده پالیسی ملی جوانان است. مشارکت جوانان، در کل، در برگیرنده تمام مسایلی است که به نحوی تأثیرات منفی و یا مثبت بر توانمند سازی آنها دارد. جوانان باید در امر رشد و توسعه جامعه، از ابتدا در تصمیم گیری ها، در سطح ملی و محلی منحصیث شرکای انکشاف اجتماعی و اقتصادی نقش بازی نمایند. نظریات آنها در برنامه های توسعهی مخصوص برای آنها توسط دولت و نهاد های جامعه مدنی در طرح، تطبیق و ارزیابی جداً مدنظر گرفته شود. نکات ذیل منحصیث رهنمود های پالیسی برای اشتراک مؤثر، فراگیر و فعال جوانان رعایت گردد:

1. ارتقای ظرفیت های بالقوه شهروندی جوانان از طریق آموزش های مدنی و برنامه های ظرفیت سازی در بخش رهبریت، ترویج آموزش های مدنی در مکاتب و پوهنتون ها.
2. دخیل ساختن جوانان، به خصوص زنان جوان، در انکشاف و تطبیق پالیسی ها و برنامه ها در سطح ملی و محلی.
3. تشویق و حمایت از حضور نماینده گان جوانان، به خصوص زنان جوان، برای شرکت در فرایند تصمیم گیری های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی.
4. تبعیض مثبت در قبال زنان جوان و دختران جوان در پست های اجرایی دولت و نهاد های جامعه مدنی.
5. دخیل ساختن جوانان در پروسه های حل معضلات سنتی و محلی.
6. حمایت و توسعه فضای رسانه یی برای منعکس ساختن صدای جوانان و مسایل مربوط به آنها.
7. توسعه ساختاری شورای عالی جوانان افغانستان در سطح قرا و قصبات کشور و تامین روابط مستمر بین جوانان دهات و شهر ها.
8. طرح میکانیزم ها جهت جمع آوری نظریات و ملاحظات جوانان در مسایل مربوط به آنها و مسایل ملی.
9. تقویت و حمایت از سازمان ها و شبکه های جوانان در سطح ملی و محلی.
10. ترویج و حمایت از فعالیت های رضاکارانه جوانان.

11. ترویج گفت‌وگوها بین جوانان، دولت و نهاد های جامعه مدنی در سطح ملی و محلی
12. ایجاد میکانیزم ملی مشارکت جوانان در تمام عرصه ها.
13. بلند بردن سطح آگاهی مقامات ذیربط دولت، نهاد های جامعه مدنی، علما، متنفذین قومی و جوانان از حقوق جوانان.
14. بلند بردن سطح آگاهی والدین در مورد حقوق نوجوانان و جوانان برای ابراز نظرشان پیرامون امور مربوطه.
15. فراهم آوری زمینه های وسیع مشارکت جوانان، خصوصاً برای زنان جوان، در مکاتب و مؤسسات تحصیلات عالی در امور مربوط به محیط تعلیمی و تحصیلی.
16. ایجاد پست های رسمی مشاورین جوان در سطح ملی و محلی جهت مشوره دهی به مقامات عالی رتبه دولتی در امر رشد و انکشاف جوانان.

ه : مسایل مشترک

بعضی از چالش ها و مشکلات که جوانان با آن روبرو اند توسط تلاش های مشترک میان ادارات دولتی، نهاد های جامعه مدنی و سکتور خصوصی به آن رسیده گی می گردد. ساحات پالیسی در قبال مسایل مشترک در هر بخش قرار ذیل می باشد.

تساوی جنسیتی (جندر)

تساوی جنسیتی و توانمندی زنان جوان برای رشد و انکشاف جامعه جفاً مدنظر گرفته شود. زنان جوان و پسران باید زمینه های مساویانه برای رشد استعداد ها، استفاده از منابع و رشد شخصیت های شان داشته باشند تا آنها بتوانند در رشد و انکشاف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سهم فعال داشته باشند. رهنمود های ذیل منحصراً ساحات پالیسی در نظر گرفته شوند:

- ۱- احترام، حراست و حمایت از حقوق بنیادین بشر (از جمله حقوق جنسی و صحت باروری) از تمام زنان جوان و دختران.
- ۲- دولت و نهاد های جامعه مدنی مسایل مربوط به تساوی جنسیتی را در اولویت برنامه های انکشافی خود در نظر گیرند.
- ۳- ازدیاد هماهنگی در مورد مسایل جندر میان تمام ادارات ذیدخل.
- ۴- توسعه آموزش های تساوی جنسیتی و توانمندی زنان جوان در مکاتب، مؤسسات تحصیلات عالی و محل کار.
- ۵- بلند بردن ظرفیت های زنان جوان و دختران و قایل شدن به تبعیض مثبت برای آنها در عرصه های اجرایی.
- ۶- توسعه برنامه های تساوی جنسیتی و حقوق زنان جوان و پسران در محلات جنگ زده افغانستان و فراهم آوری زمینه های مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای آنها.
- ۷- بذل مساعی مشترک با سران قومی و علمای دینی جهت تساوی جنسیتی در کشور.
- ۸- سهم ساختن زنان جوان و دختران در جریان تدوین پالیسی ها و طرح برنامه ها در سطح ملی و محلی.
- ۹- حمایت بیشتر از نهاد های که برای انکشاف زنان جوان و دختران کار می کنند.

تأمین صلح و امنیت

تأمین صلح و امنیت دایمی در افغانستان یکی از نیازمندی های ملی مردم افغانستان است. صلح و امنیت زمینه انکشاف پایدار جوانان را در کشور مهیا می سازد. جوانان در تأمین صلح و امنیت نقش بارزی را بازی می کنند. دولت، احزاب سیاسی و نهاد های جامعه مدنی نکات ذیل را منحصی ساحات پالیسی هنگام تلاش شان برای تأمین صلح و امنیت مدنظر بگیرند:

- ۱- انکشاف برنامه های آموزش مدنی برای جوانانی که در معرض خطر افراط گرایی قرار دارند.
- ۲- دخیل ساختن جوانان در جریان های تأمین وحدت ملی، صلح و امنیت در کشور.
- ۳- توسعه زمینه های اشتراک جوانان با نیرو های امنیتی ملی افغانستان در تأمین امنیت محلات شان.
- ۴- سهیم ساختن جوانان در حل معضلات محلی.
- ۵- رسیده گی به شکایات جوانان و تأمین عدالت اجتماعی در قبال آنها.
- ۶- بلند بردن سطح آگاهی جوانان از حقوق و امتیازات آنها.
- ۷- طرح برنامه های ملی جهت بسیج ساختن جوانان به منظور تأمین صلح و امنیت در کشور.
- ۸- ایجاد زمینه وسیع بازگشت جوانان به زنده گی مسالمت آمیز و اعاده حقوق شهروندی آنها.

توسعه ورزش

ورزش نقش مهمی را در ترویج صحت، وحدت و خوشحالی جوانان، اعم از دختر و پسر، بازی می کند. دولت افغانستان و ادارات غیردولتی باید نکات ذیل را منحصی ساحات پالیسی جوانان برای تعمیم ورزش و همچنان ایجاد و توسعه زیربنا های ورزشی مدنظر گیرد.

- ۱- ترویج ارزش ورزش و روحیه رقابت سالم میان جوانان و نوجوانان.
- ۲- پالیسی ملی ورزش برای نوجوانان و جوانان تدوین گردد.
- ۳- تسهیل دسترسی فراگیر و از لحاظ فرهنگی و جنسیتی حساس جوانان و نوجوانان به ورزش و سرگرمی ها به خصوص در دهات و مناطق دوردست کشور.
- ۴- حمایت از برنامه های ورزشی که از ورزش منیحت نقطه اتصال به مسایل جوانان که برای آنها دارای اولویت است مانند صحت، اعتیاد به مواد مخدر، اشتغال زایی و صلح صورت گیرد.
- ۶- تشویق سرمایه گذاری سکتور خصوصی در ورزش.
- ۷- حفظ و توسعه ورزش های عنعنوی افغانستان و ترویج آن بین جوانان.
- ۸- تاسیس و توسعه زیربناهای ورزشی در سطح ملی و محلی.

حفظ محیط زیست

چندین دهه جنگ، فقر و میزان بلند رشد نفوس محیط زیست افغانستان را خیلی متاثر ساخته است و زنده گی ۹۰ در صد از ساکنان دهات این کشور را که وابسته به منابع طبیعی برای امرار معیشت می باشد، با مشکل مواجه ساخته است. قطع جنگلات و درختان به طور غیر قانونی تهدید جدی را به زنده گی مردم در دهات که از جنگلات به مثابه منبع مواد سوخت و درآمد از طریق صادرات بادام و پسته می باشد، ساخته است. کاهش ساحه جنگلات در کشور باعث فرسایش خاک، سیلاب ها و از بین رفتن اراضی زراعتی و مسکون نشین در کشور گردیده است. عودت ۵ میلیون مهاجر که اکثریت آنها در شهرها مسکن گزین شدند و سرازیر شدن روستایان به شهر در نتیجه خشکسالی ها و درآمد کم تاثیر سوء را بر مدیریت آب و کثافات در مناطق شهری داشته است. در سطح جهان جوانان، اعم از دختر و پسر، علمبرداران در عمل و گفتن های جهانی حفظ محیط زیست هستند. تمام ادارات ذیدخل دولتی و غیر دولتی افغانستان در حفظ و بازسازی محیط زیست کشور از سهم فعال جوانان با اتخاذ تدابیر ذیل حمایت نمایند.

- ۱- بلند بردن سطح آگاهی پیرامون حفظ محیط زیست در میان جوانان از طریق نصاب درسی در مکاتب و پوهنتون ها.
- ۲- ترویج صنایع سرسبزی و انکشاف مهارت های جوانان جهت استخدام آنها در مشاغل سرسبزی.
- ۳- حمایت از نهاد های جوانانی که در راستای حفظ محیط زیست کار می کنند و قدردانی از جوانانی که در حفظ محیط زیست تلاش نموده اند.
- ۴- دخیل ساختن رسانه ها جهت نشر و پخش اطلاعات در مورد مسایل محیط زیست و شیوه های حفظ محیط زیست.
- ۵- تشویق و قدردانی از گروه های جوانان و مردم که برای امرار معیشت از شیوه های مستمر درآمد کار می گیرند.
- ۶- حمایت از تلاش های مردم که در معرض خطر حوادث طبیعی قرار دارند برای کاهش خطرات و آماده گی در مقابل حوادث طبیعی.
- ۷- توانمند ساختن جوانان تا آنها در موارد مانند اقلیم، عدالت اقلیمی و استراتژی های مربوط به آن منحصیث بخش دوم از ارتباطات ملی کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی و برنامه ملی حفظ محیط زیست افغانستان اقدام نمایند.
- ۸- کار با سازمان های رو به رشد جوانان افغانستان و روی دست گرفتن اقدامات عملی در مورد طبیعت و همچنان راه اندازی برنامه ها جهت احیای محیط زیست در محیط آزاد مانند کوه ها.
- ۹- حمایت از جوانان افغانستان به طور مستقیم تا آنها در روز های ملی و بین المللی جنگلات، زمین، آب، محیط زیست، صلح، اقتصاد سبز، اقلیم و تنوع زیستی نقش بازی کنند.
- ۱۰- ایجاد کمیته عالی حفظ محیط زیست بین دولت و نهاد های جامعه مدنی

چارچوب تطبیق پالیسی

جهت تطبیق و هماهنگی پالیسی ملی جوانان و همچنین برای نظارت از اجراءات ادارات ذیربط دولتی چارچوب ذیل در پالیسی ملی جوانان در نظر گرفته شده است.

الف: ادارات تطبیق کننده پالیسی: پالیسی ملی جوانان به اساس نیازمندی های اجتماعی و اقتصادی افغانستان تدوین گردیده است. این پالیسی، در واقع پیشنهاد ادارات اجرایی دولت و ادارات غیر دولتی به منظور رفع نیازمندی های اقتصادی و اجتماعی کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت جوانان است.

۱- ادارات دولتی که در تطبیق پالیسی نقش دارند: ادارات دولتی که در تطبیق پالیسی ملی جوانان نقش دارند عبارتند از: معینیت امور جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ، وزارت معارف، وزارت تحصیلات عالی، وزارت عدلیه، وزارت مالیه، وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین، وزارت صحت عامه، وزارت امور زنان، وزارت مبارزه علیه مواد مخدر، اداره مرکزی احصایه، اداره مستقل ارگانهای محلی، کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، ریاست عمومی تربیت بدنی، سپورت و کمیته ملی المپیک و سایر ادارات دولتی.

۲- نقش نهاد های جامعه مدنی در تطبیق پالیسی: نهاد های جامعه مدنی در سطح ملی و محلی میتوانند در تطبیق پالیسی ملی جوانان نقش بازی نمایند. دو تن نماینده گان با صلاحیت نهاد های جامعه مدنی در کمیسیون عالی دولتی نظارت از تطبیق پالیسی ملی جوانان در سطح ملی و دو تن در کمیسیون نظارت از تطبیق پالیسی ملی جوانان در سطح ولایت عضویت دارند. نهاد های جامعه مدنی به اساس ساحات این پالیسی تلاش هایشان را با دولت افغانستان از طریق دو کمیسیون فوق الذکر و معینیت امور جوانان در سطح ملی و محلی تنظیم می کنند و مورد حمایت دولت افغانستان قرار می گیرند.

ب: نظارت از تطبیق و هماهنگی پالیسی در سطح ملی: نظارت از تطبیق و هماهنگی توسط کمیسیون عالی دولتی نظارت از تطبیق پالیسی ملی جوانان تحت ریاست معاون دوم مقام عالی ریاست جمهوری صورت می گیرد که در آن تمام ادارات ذیربط دولتی به شمول دو تن به نماینده گی از نهاد های جامعه مدنی جوانان عضویت می داشته باشند. این کمیسیون مسوولیت نظارت کلی از تطبیق و هماهنگی پالیسی ملی جوانان را در سطح ملی و محلی به عهده دارد.

رئیس کمیسیون گزارش ادارات دولتی را در مورد تطبیق پالیسی سمع نموده و هدایات لازم را به ادارات جهت بهبود امور صادر می کند. این کمیسیون از اجراءات خویش به مجلس شورای وزیران گزارش ارایه می کند.

۱- مجالس نوبتی کمیسیون: جهت نظارت از تطبیق و هماهنگی پالیسی ملی جوانان، سمع گزارش و صدور هدایات لازم، کمیسیون عالی دولتی نظارت از تطبیق پالیسی ملی جوانان در هر سه ماه یکبار در مقر معاونیت دوم مقام عالی ریاست جمهوری تشکیل جلسه میدهد.

۲- امور دارالانشأ کمیسیون: وزارت اطلاعات و فرهنگ مسوولیت امور دارالانشأ کمیسیون عالی دولتی نظارت از تطبیق پالیسی ملی جوانان را به عهده دارد.

ج: نظارت از تطبیق و هماهنگی پالیسی در سطح محلی: نظارت و هماهنگی در سطح ولایات توسط کمیسیون نظارت از تطبیق پالیسی ولایتی تحت ریاست والی صورت می گیرد که در آن تمام ادارات ذیربط محلی به شمول دو تن به نماینده گی از نهاد های جامعه مدنی عضویت می داشته باشند. این کمیسیون مسوولیت کلی از تطبیق و هماهنگی پالیسی ملی جوانان را در سطح مرکز ولایات و ولسوالی ها دارد.

والیان گزارش ادارات ذیربط را در مورد تطبیق پالیسی ملی جوانان سمع نموده، هدایات لازم را جهت بهبود امور صادر می کند. کمیسیون ولایتی از اجراءات خویش به کمیسیون عالی دولتی نظارت از تطبیق پالیسی ملی جوانان جوابده می باشد.

۱- مجالس نوبتی کمیسیون: جهت نظارت از تطبیق، هماهنگی تلاش ها، سمع گزارش و اجراءات بعدی کمیسیون نظارت از تطبیق و هماهنگی پالیسی ملی جوانان در سطح ولایت در هر ماه یکبار در دفتر والی تشکیل جلسه میدهند.

۲- امور دارالانشأ کمیسیون: ریاست های اطلاعات و فرهنگ مسوولیت امور دارالانشأ کمیسیون نظارت از تطبیق پالیسی در سطح ولایات را به عهده دارد.

د: تخصیص بودجه به ادارات ذیربط: ادارات دولتی، هنگامی که برنامه های خود را به وزارت مالیه جهت ترتیب بودجه عادی و انکشافی ارایه میدهند، باید اولویت های پالیسی ملی جوانان را مدنظر گیرند.

ه: تخصیص بودجه به اداره ناظر: معینیت امور جوانان منحصت اداره ناظر از تطبیق پالیسی و هماهنگ کننده پالیسی ملی جوانان باید منحصت واحد بودجوی مستقل در چوکات وزارت اطلاعات و فرهنگ بودجه عادی و انکشافی خود را، طبق اولویت های پالیسی، برای سال ۱۳۹۳ ه-ش آماده سازد.

بررسی تاثیرات پالیسی

تاثیرات پالیسی ملی جوانان به اساس شاخص های انکشافی استراتیژی ملی جوانان اندازه گیری می شود. تاثیرات پالیسی ملی جوانان بعد از تصویب پالیسی و استراتیژی تطبیقی آن در هر پنج سال یکبار اندازه گیری می شود. استراتیژی ملی انکشاف جوانان ضمیمه این پالیسی می باشد.

###